

شاخصه‌های جامعه مطلوب در تمدن اسلامی از منظر قرآن و روایات

محمد نظیر عرفانی *

حسن خیری **

چکیده

بی‌شک بهترین روش دستیابی به جامعه مطلوب استفاده از منبع غنی وحی الهی است تا از طریق آن شاخصه‌های جامعه مطلوب تبیین شود، شاخصه‌هایی که کاربرد و اعمال آن در جامعه، می‌تواند باعث رشد و کمال تمدن اسلامی گردد. با توجه به یافته‌های تحقیق که به روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است، مهم‌ترین شاخصه‌های هستی‌شناختی جامعه مطلوب عبارت‌اند از: توحید گرایی، معاد باوری و رهبری الهی؛ از شاخصه‌های مهم ارزش‌شناختی می‌توان به تقوا، عدالت، وحدت، توان نظامی، امنیت و رفاه را نام برد همچنین شاخصه‌های انسان‌شناختی شامل کرامت انسان، اعتدال، نظارت اجتماعی و پیشرفت می‌باشند. با توجه به این شاخصه‌ها می‌توان گفت که جامعه مطلوب قرآنی در تمدن اسلامی، جامعه‌ای است که در آن خدای یگانه مورد پرستش قرار گرفته و آحاد افراد آن عدالت را رعایت نموده و در تمامی شؤون زندگی اعتدال را سرمشق خویش قرار دهند و با نظارت اجتماعی که ناشی از حس مسئولیت افراد جامعه نسبت به هم می‌باشد از پلیدی‌ها و ناهنجاری‌ها جلوگیری نموده و برای پیشرفت و رشد جامعه اسلامی از هیچ کوششی دریغ ننمایند و در پرتو رهبری الهی و با آمادگی نظامی، امنیت و رفاه در جامعه حاکم باشد.

واژگان کلیدی: شاخص، جامعه، مطلوب، تمدن، قرآن.

* دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم (گرایش اجتماعی)، جامعه المصطفی العالمیه: mna8181@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی؛ عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

ایجاد جامعه مطلوب و آرمانی گامی مؤثر در جهت تمدن سازی و خروج از سلطه تمدن های دیگر است، بنابراین ارائه شاخصه های جامعه مطلوب قرآنی می تواند گامی مؤثر در راستای بازگشت به تمدن اسلامی و خروج از سیطره دیگر تمدن ها باشد. شاخصه های جامعه مطلوب قرآنی اگر به صورت جدی مورد توجه قرار گیرند، ضمن ایجاد تحولی عمیق در جامعه انسانی، مجموعه ای از اندوخته های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد نمود، به همین جهت دستیابی به شاخصه های جامعه مطلوب قرآنی و پیاده کردن آن در جامعه، موجب کمال حقیقی افراد جامعه می گردد؛ از سویی تمدن اسلامی با آشنایی و دستیابی به شاخصه های جامعه مطلوب قرآنی و کاربردی نمودن آن در جامعه شکل می گیرد.

در این پژوهش به دنبال شناسایی شاخصه های جامعه مطلوب را از منظر آیات مورد بررسی قرار می دهیم تا بتوانیم با تبیین این شاخصه ها گامی مؤثر در ارائه الگوی مناسب برای جوامع مختلف علاقه مند به اسلام و متمدن شدن بر اساس حیات اسلامی برداشته باشیم.

بیان مسئله

اساسی ترین گام در ساخت تمدن، دستیابی به شاخصه های جامعه مطلوب است، رفتارهای یک جامعه مبتنی بر باورها و تفکرات حاکم بر آن جامعه می باشند اگر جامعه ای بتواند شاخصه های خود را به گونه ای صحیح تبیین کرده و بر اساس آن الگوهای مناسب رفتاری و عملی ارائه نماید، زمینه تکامل آن جامعه را فراهم نموده است.

دیدگاه های متفاوتی در مورد شاخصه های جامعه مطلوب داده شده است، ترسیم آرمان شهرها در طول تاریخ توسط اندیشمندان در راستای دستیابی به الگویی برای این جامعه بوده است، پژوهش حاضر درصدد تبیین این شاخصه ها بر اساس آیات قرآن است تا با الگوسازی و ارائه آن زمینه تعالی و بالندگی تمدن اسلامی را فراهم سازد.

سؤال اصلی: شاخصه های جامعه مطلوب در تمدن اسلامی از نگاه قرآن چیست؟

ضرورت تحقیق

مکتب‌های بزرگ اعم از الهی و انسانی، هر کدام برای جامعه مطلوب شاخص‌هایی متفاوت ارائه کرده‌اند و سرمنشأ تمدن‌های مختلف بوده‌اند، از آنجا که در عرصه نظریه‌پردازی، ایده‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی در شاخصه‌های یک جامعه ایده آل داده شده و گاه این نظریات ضد و نقیض بوده و در عرصه‌های غیر تئوریک هم هیچ معیار و ملاکی برای صدق این ادعاها مشخص نشده و تنها با آزمون و خطا و پرداخت هزینه‌های گزاف می‌توان به مطلوب یا نامطلوب بودن این شاخصه‌ها برای دستیابی به جامعه مطلوب پی برد. لذا باید شاخصه‌های مناسب از منبعی انتخاب شود که بیشترین آشنایی را با بشر و مقتضیات او داشته باشد از آنجا که دین اسلام خصوصیت جهان‌شمولی داشته و منطبق با فطرت انسانی می‌باشد، قابلیت ارائه شاخصه‌های جامعه مطلوب برای تمام اعصار را دارد و از این رو بر ماست که برای اعتلای هر چه بیشتر تمدن اسلامی، دورنمایی از شاخصه‌های یک جامعه مطلوب، برگرفته از وحی را ارائه دهیم تا بر مبنای آن یک مهندسی اجتماعی که احیاگر هویت اصیل تمدن اسلامی باشد، شکل گیرد.

اهداف پژوهش

هدف اساسی این تحقیق دستیابی به مجموعه پرسش‌ها یا شاخص‌هایی است که پاسخ به آن‌ها می‌تواند به تبیین جامعه مطلوب قرآنی در تمدن اسلامی بیانجامد از دیگر اهداف این تحقیق می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود

ارائه تعریف مناسب از جامعه مطلوب

استخراج شاخصه‌های جامعه مطلوب از قرآن
ارائه شاخصه‌های جامعه مطلوب برای استفاده در جامعه اسلامی

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با استفاده از رویکرد وصفی به تبیین شاخصه‌های جامعه مطلوب در تمدن اسلامی می‌پردازد و سرانجام به تحلیل این شاخصه‌ها در چارچوب جهان‌بینی قرآنی اقدام خواهد کرد؛ روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است.

الف) مفهوم شناسی

۱. جامعه

کتب لغت جامعه را به معنای گروه مردم یک شهر، یک کشور، جهان و یا صنفی از مردم : جامعه بشریت، جامعه ایرانی، جامعه علما تعریف نموده‌اند. (معین، ۱۳۶۰: ۱۲/۱)

در اصطلاح تعاریف مختلفی برای جامعه بیان شده برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهند. (مطهری، ۱۳۸۹: ۳۳۱/۲) و به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در اثر جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه ورنند. (همان)

برخی قائل شده‌اند که جامعه، مجموعه روابط انسانی است که میان افراد برقرار می‌شود. (ترابی، ۱۳۴۱: ۵۱)

در تعریف جامعه می‌توان گفت که هر گروه و دسته‌هایی از انسان‌ها که دور هم جمع شده و (جهت وحدتی) داشته باشند، یعنی در هر موردی که بتوان برای گروهی از مردم (وجه جامع) اعتبار کرد، اطلاق لفظ جامعه بر آن گروه روا است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۲۱)

۲. مطلوب

مطلوب در لغت به معنای طلب کرده شده، آرزو شده، خواسته، خوش‌آیند، محبوب، دل‌پسند (معین، ۱۳۶۰: ۴۲۰۲/۳) بنابراین، مقصود ما از جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن، جامعه‌ای که مورد رضایت و پسند قرآن است و خداوند تشکیل چنین جامعه‌ای را از امت اسلامی مطالبه کرده است.

۳. تمدن

تمدن از واژه لاتین Civitas معادل کلمه poleis یونان قدیم می‌باشد. یونانیان باستان با استفاده از کلمه تمدن (civilization) نشان دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که سازنده‌ی شکلی برتر از زندگی است. با توجه به اینکه تمدن معانی مختلفی دارد، ولی اصلی‌ترین معنای آن شهرنشین شدن و اقامت در شهر است و بر همین اساس، این کلمه معادل واژه شهر آیینی و به معنای حسن معاشرت

است. (جان احمدی، فاطمه، ۱۳۹۶: ۲۴) همچنین تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان آمده است. (معین، ۱۳۶۰: ۵۹/۲) ابن خلدون تمدن را (حالت اجتماعی انسان) می‌داند یعنی مجموعه‌ای از عوامل مادی و اخلاقی که به فرد امکان و فرصت رشد از دوران کودکی تا پیری می‌دهد. (ایولاکوست، ۱۳۶۳: ۱۸۳) از این رو می‌توان گفت که تمدن عبارت است از برقراری نظم اجتماعی و جامعه‌پذیری جهت همکاری و تعاون میان انسان‌ها که زمینه را برای مقبولیت یک فرهنگ فراهم می‌سازد. به تعبیر دیگر تمدن، زندگی جمعی همراه با پذیرش نظم اجتماعی است. (دورانت، ۱۳۳۷: ۱۲۵)

ب) شاخصه‌های هستی‌شناختی

۱. توحید گرایی

هدف نهایی از جامعه مطلوب در تمدن اسلامی با توجه به آیات قرآن پدید آمدن جامعه‌ای است که در آن بدون هیچ ترسی تنها خداوند عبادت شود به صورتی که دعوت به این امر هدف اصلی بعثت انبیاء بر شمرده شده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶) ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید»

در جای دیگر قرآن می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور/۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت»

از مجموع آیه چنین بر می‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای این دو صفت هستند (ایمان) و (عمل صالح) سه نوید داده است:

۱. استخلاف و حکومت روی زمین

۲. نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه‌دار در همه جا (که از کلمه «تمکین» استفاده می‌شود)

۳. از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی

نتیجه این امور آن است که با نهایت آزادی خدا را بپرستند و فرمان‌های او را گردن نهند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند و توحید خالص را در همه جا بگسترانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۲۸)

جمله «یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا» چه از نظر ادبی (حال) باشد و چه (غایت) مفهومی این است که هدف نهایی فراهم آمدن حکومت عدل و ریشه‌دار شدن آیین حق و گسترش امن و آرامش همان استحکام پایه‌های عبودیت و توحید است، که در آیه دیگر قرآن به عنوان هدف آفرینش از آن یاد نموده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ مَنْ جَنَّ وَانْسٍ رَا نِيَا فَرِيْدِم جَز بَرَا اِيْنِكِه عِبَادَتِم كِنْد» (ذاریات/۵۶)

علامه طباطبایی می‌نویسد: خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برای آنان برپا خواهد کرد که جامعه‌ای به تمام معنا صالح باشد و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. و این مجتمع پاک و پاکیزه با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر (ص) مبعوث به رسالت گشته تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده است، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی (عج) خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا (ص) و ائمه اهلبیت (ع) در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵/۱۵۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳/۶۱۹)

۲. معاد باوری

شاخصه معاد از نظر دین مبین اسلام، بدان معناست که انسان از مبدأیی نشئت گرفته است که سرانجام به همان جا برمی‌گردد «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶)؛ بازگشت به آن مبدأ همان معاد است و هیچ چیز همانند اعتقاد به معاد، آموزنده نیست (جوادی آملی،

۱۳۸۸: ۹ / ۱۹۷) و هیچ مسئله‌ای در اسلام بعد از توحید به اهمیت مسئله معاد نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۵ / ۱۷) انسان‌های شایسته با مرگ به ملاقات خداوند می‌رسند (بقره / ۲۲۳): از نظر قرآن، زندگانی جاوید و سعادت ابدی در آخرت است. (غافر / ۳۹)

دنیا برای انسان به عنوان ابزاری در جهت نیل به هدف‌های والای انسانی و رسیدن به زندگی جاوید قرار دارد، چرا که دنیا برای انسان آفریده شده و نه انسان برای دنیا، و شخصیت انسانی بسیار گران به‌تر از آن است که بخواهد خود را به متاع دنیا و جلوه‌های فریبنده آن بفروشد. این گونه اعتقاد به معاد، بینش انسان را به عالم هستی وسعت می‌بخشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۵ / ۱۸) یکی از آثار اعتقاد به معاد، بیدار شدن احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی در عمق وجود انسان‌هاست، زیرا این‌ها همه پیش فرستاده‌های انسان به سرای دیگر است و در سرای دیگر با این سرمایه‌ها باید زندگی کرد: «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» (طه / ۱۵)

۳ رهبر الهی

قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء / ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان او را.

در این آیه، وجوب پیروی بی قید و شرط از اولی الامر هم سان و همانند خدا و پیامبر است، چنان که تکرار کلمه «اطیعوا» درباره‌ی خدا و رسولش و عدم تکرار آن درباره‌ی رسول اکرم و اولی الامر نشان می‌دهد، محور اطاعت از خدا، پیروی از احکام کلی است که توسط پیامبر، به امت اسلامی می‌رسد، ولی مدار اطاعت از رسول اکرم (ص)، علاوه بر آن، پیروی در احکام ولایی و حکومتی و کشورداری است، به گونه‌ای که لزوم پیروی از اولی الامر، لزوم پیروی کامل از ولی امر معصوم در جمیع جهات و شئون دینی و دنیوی است. این آیه بر وجوب پیروی مطلق از ولی امر معصوم یا نمایندگان و نواب خاص و عام او در امور دینی و دنیوی و سیاسی - اجتماعی دلالت دارد.

امام رضا (ع) می‌فرماید «امامت (رهبر الهی)، زمام دین است و نظام مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان. امامت ریشه‌ی روینده اسلام و شاخه بالارونده آن است.» (حکیمی، ۱۳۸۲:

۲/ ۶۲۳) بنابراین، بر مبنای قرآن و سیره ائمه (ع) نیاز جامعه به رهبر الهی رشد دهنده، در هیچ مرحله‌ای مرتفع نشده، قابل اغماض نیست. پس پذیرش رهبر الهی برای جامعه نیز به عنوان یکی از شاخصه‌های جامعه مطلوب، در راستای تکامل جامعه لازم است.

ج) شاخصه‌های ارزش‌شناختی

۱. تقوا

تقوا به معنای عام کلمه، لازمه‌ی زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و زیر فرمان عقل زندگی، و از اصول معینی پیروی کند. تقوای دینی و الهی، یعنی اینکه انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا و گناه، پلیدی و زشتی شناخته شده است، حفظ و صیانت کند و مرتکب آن‌ها نشود. (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۵) توصیه به تقوا در آیات بسیاری از قرآن کریم تکرار شده است، آیه‌ی ۱۰۲ سوره آل عمران، مؤمنان را به تقوای خداوند، آن‌گونه که حق تقوای اوست، توصیه کرده است: «... اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» و آیه ۱۶ سوره‌ی تعابن، به مؤمنان امر کرده که به قدر استطاعتشان تقوا بورزند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ». به نظر علامه طباطبایی در آیه نخست، حق تقوا آخرین مرتبه‌ی تقواست؛ یعنی عبودیتی بری از انیت و غفلت، طاعتی بدون معصیت و شکری بدون کفران؛ اما آیه‌ی دوم شامل تمام مراتب تقواست؛ یعنی خداوند نخست همه مردم را به حق تقوا دعوت کرده و سپس فرموده است که هر کس به قدر استطاعت خویش در طی مراتب تقوا بکوشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/ ۳۶۷-۳۶۸)

۲. عدالت

عدالت از دیگر شاخصه‌های جامعه مطلوب در تمدن اسلامی می‌باشد، جامعه‌ای که افراد آن به قسط و عدل رفتار کنند و از بی‌عدالتی پرهیز نمایند، قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَاقِرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء/۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آن‌ها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت

کند؛ بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است» برخی مفسرین گفته‌اند مقصود از «قوامین بالقسط» این است که پیوسته به عدل قیام کنید و عادت شما در گفتار و رفتار قیام به عدل باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۸۹/۳)

علامه طباطبایی می‌نویسد «قسط» به معنای عدل است و قیام به قسط به معنای عمل به قسط و تحفظ بر آن می‌باشد بنابراین مراد از «قوامین بالقسط» قائمین به قسط است البته قائمینی که قیامشان به قسط تام و کامل‌ترین قیام است چون قوام صیغه مبالغه است و به آیه چنین معنایی می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۰۸/۵)

بنابراین در این آیه یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اجرای عدالت در همه موارد بدون استثنا ذکر می‌کند و به تمام افراد با ایمان فرمان می‌دهد که قیام به عدالت کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۶۱/۴)

در جای دیگر قرآن می‌فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا قَوَّامِینَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلٰی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی وَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ» (مائده/۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خیر است»

آیه شریفه ابتدا دعوت همگانی به قیام برای خدا می‌نماید و سپس دستور می‌دهد از روی عدالت گواهی دهند و بعد تأکید می‌کند که حتی دشمنی با جمعیتی نباید سبب شود که در رفتارشان با آنان از خط عدالت خارج شوید و ناعادلانه با آنان برخورد نمایید و در پایان بار دیگر فرمان قطعی به انجام عدالت می‌دهد و آن را مطابق تقوای الهی می‌داند.

قرآن هدف از بعثت انبیا را مقدمه‌ای برای اقامه عدالت می‌داند: «لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ اَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند»

پیامبران به سه وسیله مجهز بودند: دلایل روشن، کتب آسمانی و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد؛ و هدف از اعزام این مردان بزرگ با این تجهیزات کامل همان اجرای قسط و عدل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۳۷۱)

با توجه به عبارت «لیقوم الناس بالقسط» فهمیده می‌شود که هدف این نمی‌باشد که انبیا انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه هدف این بوده که مردم مجری قسط و عدل باشند، آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بپویند. (همان، ۳۷۲)

تأکید ویژه به برابری و مساوات از شاخصه‌های مهم جامعه مطلوب قرآنی است؛ قرآن همه افراد بشر را برابر دانسته و عواملی مانند رنگ، نژاد، خون، ثروت و زبان، که جهات امتیاز طبقاتی و تبعیضات قومی و نژادی در دنیا شناخته می‌شدند را به کلی مردود می‌داند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکرٍ و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أکرمکم عند الله اتقاکم إن الله علیم خبیر (حجرات/۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است.»

همچنین از منظر آیات قرآن، عامل ویرانی آبادی‌ها، ظلم می‌باشد: «فتلک بیوتهم خاویة بما ظلموا إن فی ذلک لآیة لِّقوم یملمون؛ (نمل/۵۲) این خانه‌های آنان است، در حالی که به خاطر ستمشان فرو ریخته است قطعاً در این (ماجرا) نشانه‌ای (عبرت آموز) است برای گروهی که می‌دانند»

ابن عباس نقل شده است که در کتاب خدا آیه‌ای یافتیم که دلالت می‌کند ظلم سبب ویرانی خانه‌ها می‌شود و آنگاه این آیه را تلاوت کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۳۵۵)

با توجه به بحث‌های مطرح شده عدالت از شاخصه‌های مهم جامعه مطلوب در تمدن اسلامی است، همان‌گونه که وجود ستم و بی‌عدالتی به ویرانی و عقب‌ماندگی جامعه می‌انجامد و از نظر قرآن ناپسند و نامطلوب است.

۳. وحدت

از شاخصه‌های دیگر جامعه مطلوب در تمدن اسلامی این است که در میان مردم مسلمان آن اتحاد بوده و از تفرقه به دور باشند، قرآن می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید پذیرای هدایت شوید»

آیه شریفه جامعه اسلامی را از تفرقه بر حذر داشته و آن‌ها را دعوت به اعتصام به ریسمان محکم الهی کرده و از طرفی، به گذشته جامعه اشاره می‌کند که پیش از اسلام در آتش اختلاف می‌سوختند و تفرقه و درگیری‌های قبیله‌ای آن‌ها را تا لبه پرتگاه و نابودی کامل پیش برده بود تا آنکه به برکت اسلام و حضور پیامبر (ص)؛ نعمت برادری و وحدت میان آنان ایجاد شد.

مراد از «حبل‌الله» یا دین اسلام و یا کتاب خدا (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳۱/۲)، یا اهل بیت (ع) (حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۳۷۷)، یا همه این موارد است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۵/۲)

زیرا منظور از ریسمان الهی هر گونه وسیله ارتباط با خداوند است، خواه این وسیله، اسلام باشد، یا قرآن، یا پیامبر و اهل بیت او و به عبارت دیگر تمام آنچه گفته شد، در مفهوم وسیع «ارتباط با خدا» که از «بحبل‌الله» استفاده می‌شود، جمع است «مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۹/۳»

قرآن در جای دیگر به صراحت جامعه را از تفرقه پرهیز می‌دهد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۰۵) و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن‌ها عذاب عظیمی دارند»

قرآن تفرقه را همانند بلاهای سخت و ویرانگر آسمانی و زمینی معرفی کرده و می‌فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (انعام/۶۵) بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند.»

تعبیر «یلبسکم شیعا» نشان می‌دهد که مسئله اختلاف کلمه و پراکندگی در میان جامعه به قدری خطرناک است که در ردیف عذاب‌های آسمانی و زمینی قرار گرفته است و راستی چنین است، بلکه گاهی ویرانی‌های ناشی از اختلاف و پراکندگی به درجات بیشتر از ویرانی‌های ناشی از صاعقه‌ها و زلزله‌ها است، بارها دیده شده است کشورهای آباد در سایه شوم نفاق و تفرقه به نابودی مطلق کشیده شده است و این جمله هشدار است به همه مسلمانان جهان. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵/ ۲۸۴)

نتیجه اینکه وحدت از شاخصه‌های جامعه مطلوب و تفرقه از شاخصه‌های جامعه‌ای نامطلوب است.

۴. امنیت و رفاه

در یک محیط نا امن نه اطاعت خداوند مقدور است نه زندگی توأم با سربلندی و آسودگی خاطر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد اهداف اجتماعی، لذا امنیت و رفاه شاخصه یک جامعه مطلوب است و این دو پیوند ناگسستنی با هم دارند در حقیقت رفاه، محصول کسب و کار است که بدون امنیت فراهم نمی‌شود، قرآن می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲) خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند)، مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می‌رسید اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید»

آیه شریفه امنیت را بر آرامش مقدم داشته است زیرا که بدون امنیت، آرامش فراهم نمی‌شود همان‌گونه که خوف سبب اضطراب و پریشانی است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰:

علامه طباطبایی می‌نویسد: خداوند در این آیه، سه صفت برای قریه مورد مثل ذکر می‌کند که در پی یکدیگرند، جز آنکه وصف وسطی آن‌ها که مسئله اطمینان باشد به منزله رابطه میان دو صفت دیگر است؛ زیرا هر قریه‌ای وقتی امنیت داشت و از هجوم اشرار و غارتگران و خونریزی‌ها و اسارت زنان و کودکان و به غارت رفتن اموال و همچنین از هجوم حوادث طبیعی همانند زلزله و سیل و امثال آن ایمن شد، مردمش اطمینان و آرامش پیدا می‌کنند و دیگر مجبور نمی‌شوند که جلالی وطن نموده متفرق شوند و از کمال اطمینان، صفت سوم پدید می‌آید و آن این است که رزق آن قریه فراوان و ارزان می‌شود، چون از همه آبادی‌ها و شهرهای اطراف آذوقه به آنجا حمل می‌شود و مردمش مجبور نمی‌شوند زحمت سفر و غربت را تحمل نموده برای طلب رزق بیابان‌ها و دریاها را زیر پا بگذارند و مشقت‌های طاقت‌فرسایی را تحمل کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲، ۳۶۲)

این درسی است برای همه ما و همه کسانی که می‌خواهند سرزمینی آباد و آزاد و مستقل داشته باشند، باید قبل از هر چیز به مسئله «امنیت» پرداخت سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن چرخه‌ای اقتصادی را به حرکت در آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۱۱)

۵. توانمندی نظامی

از شاخصه‌های جامعه مطلوب در تمدن اسلامی از دیدگاه قرآن، توان نظامی جامعه است که بتواند در دل دشمنان ایجاد رعب و وحشت نماید و آنان را از هرگونه تجاوز و تعدی به جامعه اسلامی باز دارد، قرآن می‌فرماید: «وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ» (انفال/۶۰) و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن)، آماده سازید در حالی که بدان دشمن خدا و دشمنان و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که [شما] آنان را نمی‌شناسید [و] خدا آن‌ها را می‌شناسد - بترسانید. و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد.»

آیه یک فرمان عمومی است به همه مؤمنان که در برابر کفار به قدر توانایی‌شان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل

و اکنون آن‌ها را دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند، هر چند بالفعل آن‌ها را ندارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۴/۹)

علامه طباطبایی می‌نویسد: جمله «ترهبون...» در مقام تعلیل برای جمله «اعدوا لهم» است و معنایش این است که توانایی و امکانات دفاعی را تدارک ببینید تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را ترسانیده و از آنان زهر چشم بگیرید. (همان، ۱۱۵)

شهید مطهری پس از نقل جمله‌ای از ویل دورانت که هیچ دینی به اندازه اسلام، پیروانش را به نیرومندی دعوت نکرده است، در تبیین این آیه می‌گوید: اسلام از ضعف و ضعیف بودن بدش می‌آید، اسلام به جامعه اسلامی دستور می‌دهد که در مقابل دشمن، آنچه در استطاعت دارند تهیه کنند؛ از لحاظ غایت و هدف هم می‌گوید، شما باید از نظر نیروی مادی طوری باشید که رعب شما در دل دشمنانتان باشد... باید مسلمانان آن قدر نیرومند باشند که هر جمعیت غیرمسلمانی وقتی مسلمانان را می‌بیند رعب آن‌ها در دلشان ایجاد شود، برای آنکه خیال تجاوز در دماغشان خطور نکند. (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۶۱/۲۱)

برخی معنای آیه را فراتر از توانمندی نظامی دانسته‌اند که اگر این دستور بزرگ اسلام به عنوان یک شعار همگانی در همه‌جا تبلیغ شود و مسلمانان از کوچک و بزرگ، عالم و غیر عالم، نویسنده و گوینده، سرباز و افسر، کشاورز و بازرگان، در زندگی خود آن را به کار بندند، برای جبران عقب ماندگی‌شان کافی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۳/۷)

د) شاخصه‌های انسان شناختی

۱. کرامت انسان

در چشم انداز قرآنی هر انسانی دارای کرامت است و این شاخصه به عنوان یک اصل در آفرینش انسان در نظر گرفته شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء / ۷۰)»؛ و با این کرامت و ارزش انسان در اجتماع زندگی می‌کند و اگر کرامت نادیده گرفته شود، لطمات سختی به زندگی او وارد خواهد شد و انگیزه تلاش و پیشرفت در او خواهد پژمرد و در واقع، کیان و هستی او دچار سستی و خمودگی می‌گردد. (حکیمی، ۱۳۸۲: ۶۱ / ۲)

در سیره ائمه نیز این شاخصه همواره مورد تاکید بوده است، چنانچه که نقل شده امام رضا (ع) به مرد در راه مانده‌ی مساعدت مالی کرد، صورت خود را پوشانیده بود. سلیمان

(یکی از شاهدان) از امام پرسید: «فدایت شوم! با آنکه بخشش شما زیاد بود (دویست دینار)، چرا صورت خود را پوشانیدید؟» امام فرمود: «از ترس اینکه مبادا خفت و خواری نیازمندی را در چهره‌اش ببینم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹ / ۱۰۱)

۲. اعتدال

از شاخصه‌های جامعه مطلوب در تمدن اسلامی، جامعه‌ای به دور از افراط و تفریط، تندروی و کندروی، جامعه‌ای که همه نیازهای مادی و معنوی به صورت متعادل در آن لحاظ شود.

قرآن در بیان شاخصه اعتدال جامعه می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (بقره/۴۳)؛ همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است»

شیخ طوسی مراد از امت وسط بودن را معتدل دانسته و آن را به اکثر مفسران نسبت داده است و در این باره روایتی نیز از رسول را که «وسطا» را به عدل (معتدل) تفسیر کرده‌اند. (طوسی، بی‌تا، ۷/۲ - ۸)

فخر رازی از جمله تفسیرها درباره «وسطا» را دوری از افراط و تفریط و غلو و تقصیر دانسته است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸۴/۴ - ۸۵)

مفسر دیگری بیان می‌دارد که شما امت اسلامی را امتی نمونه و عادل قرار دادیم چرا که امتی وسط می‌باشید، نه از گروه غالبان در دین و نه مقصران و کوتاه بینان. اسلام آمده است تا حق روح و جسم هر دو را جمع کند و همه حقوق انسانی را به مسلمانان عطا نماید. بدین وسیله می‌توانید هم حجت بر مادی‌گرایان باشید که فقط به لذات دنیایی بسنده کرده‌اند و از مزایای روحی و معنوی، خود را محروم ساخته‌اند و هم حجتی بر آنان باشید که غلو در دین کرده و خود را از همه لذات جسمی محروم ساخته و همه امور حیات مادی را که خدا برای بشر مهیا نموده بر خود تحریم کرده‌اند. (مراغی، بی‌تا: ۶/۲)

لذا امت وسط امتی است که از هر نظر در حد اعتدال باشد، نه کندرو و نه تندرو، نه در حد افراط و نه تفریط، الگو و نمونه... گویا قرآن می‌خواهد رابطه‌ای میان همه برنامه‌های

اسلامی ذکر کند و آن اینکه نه تنها قبله مسلمانان یک قبله میانه است که تمام برنامه‌هایشان این ویژگی را دارا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۸۳/۱ - ۴۸۴)

۳. نظارت اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر

سرنوشت مشترک امت اسلامی، سبب حس مسئولیت هر یک از افراد امت اسلامی نسبت به یکدیگر می‌شود و از اینجا مراقبت از یکدیگر در عرصه معنویت و حفظ ارزش‌های دینی شکل می‌گیرد و در پی آن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی تحقق می‌یابد.

از منظر قرآن بهترین امت (جامعه مطلوب) جامعه‌ای است که در آن امر به معروف و نهی از منکر انجام گیرد: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (آل عمران / ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.»

طبرسی می‌نویسد: شما به دلیل آنکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید، بهترین امتید. بنابراین، این ویژگی‌ها در تحقق بهترین امت بودن شرط است؛ از برخی از صحابه نقل شده است که هر کس بخواهد بهترین این امت باشد، باید این شرایط سه گانه را (ایمان به خدا، امر به معروف و نهی از منکر) را به درستی ادا کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۱۱)

علامه طباطبایی می‌نویسد: شما امت اسلامی بهترین امتی هستید که میان همه ملت‌ها آفریده شده و آشکار شده‌اید به این دلیل که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۳۷۷)

بنابراین مسلمانان تا زمانی امت ممتاز (جامعه مطلوب) به شمار می‌روند که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند و آن روز که این دو وظیفه فراموش شد نه بهترین امت‌اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳ / ۴۹)

در این آیه شریفه امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم داشته شده و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی است، به علاوه انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می‌باشد و ضامن اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است از همه گذشته اگر این دو وظیفه اجرا نگردد ریشه‌های ایمان در

دل‌ها نیز سست می‌گردد و پایه‌های آن فرو می‌ریزد و به همین جهات بر ایمان مقدم داشته شده است. (همان)

قرآن در بیان اوصاف مجاهدان و یاران خدا و اهداف آن‌ها می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ (حج/۴۱)؛ همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند»

لذا در قرآن شاخصه جامعه مطلوب در تمدن اسلامی، برپایی نماز، ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است که در ضمن بیان اوصاف مجاهدان راه خدا و انگیزه جهاد آنان بیان گردیده است. به همین جهت برخی قائل شده‌اند که این آیه از هر کسی که خداوند به او قدرت بخشیده به اندازه قدرتش از او تعهد در اجرای این امور گرفته است. (اندلسی، ۱۴۲۲: ۴/۱۲۶)

به گفته یکی از مفسران: این کلام، توجه دادن خداوند است به شکر نعمت نصرت الهی؛ که با انجام آن، پیروزی‌ها ادامه خواهد داشت و جمعیت آنان سر و سامان خواهد یافت و از آسیب در کارهایشان جلوگیری خواهد شد؛ اما اگر از مسیر منحرف شوند و از انجام این اوامر کوتاهی ورزند، ضمانت نصرت الهی و پیروزی‌ها را از دست خواهند داد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷/۲۰۳)

جامعه مطلوب قرآنی پیروزی‌ها و موفقیت‌ها را نردبانی برای ساختن خویش و جامعه قرار می‌دهند آن‌ها پس از قدرت یافتن تبدیل به یک طاغوت جدید نمی‌شوند، ارتباطشان با خدا محکم و با خلق خدا نیز مستحکم است چرا که «صلاه» نماز سمبل پیوند با خالق است و «زکات» سمبل پیوند با خلق و امر به معروف و نهی از منکر پایه‌های اساسی ساختن یک جامعه سالم محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۱۱۷)

قرآن جمعی از بنی‌اسرائیل را به سبب سستی در نهی از منکر لعن کرده و می‌فرماید: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ - كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ (مائده/ ۷۸ - ۷۹)

کافران بنی‌اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند! این به خاطر

آن بود که گناه کردند و تجاوز می نمودند. آن‌ها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند چه بدکاری انجام می دادند!»

در واقع شاخصه جامعه غیر مطلوب عبارت است از اینکه نکوهش شده و مورد خشم خداوند است زیرا در آن منکرات انجام می شود و کسی از آن نهی نمی کند.

به همین علت در مکتب اسلام سالم سازی محیط و جامعه از طریق این نظارت اجتماعی به عنوان یک امر وجوبی و عبادتی در ردیف نماز و روزه و سایر عبادات مطرح گردیده و آن را به عنوان روش پیامبران و افراد صالح معرفی کرده اند.

۴. پیشرفت

پیشرفت و رشد از شاخصه های مهمی است که جامعه مطلوب در تمدن اسلامی باید از آن برخوردار باشد، قرآن می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح/۲۹) محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند پیوسته آن‌ها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند نشانه آن‌ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است»

آیه شریفه پس از بیان ویژگی ها همراهان پیامبر (ص)، آنان را همانند کشت زاری زیبا ورود یافته ترسیم می کند و در مقام بیان رشد معنوی و مادی جامعه مطلوب است.

در این آیه پنج وصف برای مؤمنان همراه پیامبر بیان می کند:

۱. در برابر کافران و دشمنان دین شدید و سرسخت اند؛

۲. میان خودشان رحیم و مهربان اند؛



۳. پیوسته در عبادت و اطاعت الهی‌اند؛

۴. تمام تلاش آن‌ها کسب رضایت الهی است و همواره فضل و رضای او را می‌طلبند؛

۵. نشانه بندگی خدا و خشوع الهی در چهره آنان نمایان است.

پس از بیان این ویژگی‌ها آنان را به زراعتی تشبیه می‌کند که جوانه‌های خود را از زمین خارج ساخته؛ آن جوانه تقویت شده تا آنجا که محکم شده و بر پای خود ایستاده و استوار گشته؛ آن قدر رشد و نمو کرده و به دور از هر آفتی، زیبا و پر محصول گردیده که از یک سو کشاورزان و آنان که برای این مزرعه زحمت کشیدند را شگفت‌زده کرده و از سوی دیگر، کافران و دشمنان را به خشم آورده است. این مثل زیبایی از یک جامعه مطلوب و پیشرفته اسلامی است که در پرتو ایمان، تلاش و همت جانانه به رشد همه جانبه مادی و معنوی می‌رسد که از یکسو دوستان را شگفت‌زده و خوشحال می‌کند و از سوی دیگر، عظمت این پیشرفت و تکامل دشمنان را خشمگین و عصبانی می‌کند.

آن‌ها هرگز از پای نمی‌نشینند و دائماً رو به جلو حرکت می‌کنند، در عین عابد بودن مجاهدند و در عین جهاد عابدند، ظاهری آراسته، باطنی پیراسته، عواطفی نیرومند و نیاتی پاک دارند، در برابر دشمنان حق مظهر خشم خدایند و در برابر دوستان حق نمایانگر لطف و رحمت او. این اوصاف عالی، این نمو و رشد سریع و این حرکت پر برکت، به همان اندازه که دوستان را به شوق و نشاط می‌آورد سبب خشم کفار می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۲۲)

این تصویری است از یک جامعه مؤمن که جوانه می‌زند، رشد می‌کند و برخی از اعضای آن برخی دیگر را تقویت می‌کنند تا آنجا که نیروی عظیمی از نظر کثرت و توانمندی شکل بگیرد. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۳۰/۲۱)

نتیجه

از منظر آیات قرآن برخی از شاخصه‌های مهم جامعه مطلوب بررسی و بحث گردید البته لازم به ذکر است که آیاتی که بیانگر شاخصه‌های جامعه مطلوب قرآنی هستند بیش از این موارد یاد شده می‌باشند ولی از مهم‌ترین شاخصه‌های شکل‌گیری جامعه مطلوب قرآنی مواردی بود که بیان گردیده است.

دریافتیم که جامعه مطلوب قرآنی برای تمدن اسلامی، جامعه‌ای است که در آن خدای یگانه مورد پرستش قرار گرفته و آحاد افراد آن عدالت را رعایت نموده و در تمامی شئون زندگی اعتدال را سرمشق خویش قرار دهند و با نظارت اجتماعی که ناشی از حس مسئولیت افراد جامعه نسبت به هم است از بدیها و ناهنجاری‌ها جلوگیری بنمایند و برای پیشرفت و رشد جامعه اسلامی از هیچ کوششی دریغ ننمایند و در پرتو آمادگی نظامی، امنیت و رفاه را در جامعه حکم ایجاد بنمایند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۴۲۰ ق) *التحریر و التنویر*، دارالفکر، بیروت.
۳. ابن عطیه اندلسی، (۱۴۲۲ ق) *المحرر الوجیز*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴. ایولاکوست، (۱۳۶۳ ش) *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه مظفر مهدوی، نشر کتاب، تهران.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ ق) *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۶. ترابی، علی اکبر، (۱۳۴۱ ش) *مبانی جامعه شناسی*، انتشارات اقبال، تهران.
۷. جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۶ ش)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، دفتر نشر معارف، تهران.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱ ش) *اخلاق در قرآن*، اسراء، قم، چاپ سوم.
۹. جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۸ ش) *سیره رسول اکرم (ص) در قرآن*، اسراء، قم.
۱۰. حسینی، شاه عبدالعظیمی، (۱۳۶۳ ش) *تفسیر اثنا عشری*، انتشارات میقات، تهران.
۱۱. حکیمی، محمدمهدی، (۱۳۸۲ ش) *سیره امام رضا (علیه السلام)*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۲. حویزی، علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق) *تفسیر نور الثقلین*، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم.
۱۳. دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۳۷ ش) *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، نشر اقبال، تهران.
۱۴. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ ش) *الفرقان فی تفسیر القرآن*، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، نشر اسلامی، قم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش) *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن، (بی تا) *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۸. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق) **مفاتیح الغیب**، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۱۹. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۱۹ ق) **من وحی القرآن**، دار الملائک للطباعه و النشر، بیروت، چاپ دوم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۱ ق) **اصول الکافی**، دارالصعب و التعارف، بیروت، چاپ چهارم.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق) **بحار الانوار**، مؤسسه الوفا، بیروت، چاپ سوم.
۲۲. مراغی، احمد بن مصطفی، (بی تا) **تفسیر مراغی**، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۲ ش) **جامعه و تاریخ**، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم.
۲۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵ ش) **فلسفه تاریخ**، صدرا، تهران.
۲۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹ ش) **مجموعه آثار**، صدرا، تهران، چاپ ششم.
۲۶. معین، محمد، (۱۳۶۰ ش) **فرهنگ فارسی**، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۲ ش)، **پیام قرآن**، مدرسه امیر المؤمنین، قم.